

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصادف با: ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۵

روز: چهارشنبه

ادامه امر سوّم: تفاوت مسأله اجزاء با مرّه و تکرار

بیان شد که در مورد تفاوت مسأله اجزاء با مسأله مرّه و تکرار و همچنین با مسأله تبعیت قضاء از اداء، نظریات مختلفی وجود دارد. بعضی تفاوت را به کیفیت بحث یعنی عقلی و لفظی بودن، بعضی به جهت بحث و بعضی به موضوع بحث دانسته اند. نظریه اوّل یعنی نظر محقق خراسانی «رحمة الله علیه» و نقد آن و همچنین نظریه دوّم یعنی نظر محقق اصفهانی «رحمة الله علیه» و نقد آن در دو جلسه گذشته بیان گردید و در ادامه به نظریات دیگر و بیان قول مختار خواهیم پرداخت.

نظریه سوّم: امام خمینی «قدس سرّه»

ایشان تفاوت بین مسائل مذکور را به تفاوت در موضوع آنها می دانند. حاصل فرمایش ایشان آن است که: موضوع بحث در مسأله مرّه و تکرار، «دلالت امر یا حکم عقل نسبت به اراده مرّه و یا تکرار از متعلّق امر» می باشد؛ و موضوع در مسأله اجزاء، «اتیان مأمور به» است و اینکه آیا اتیان مأمور به مجزی هست یا مجزی نیست؟ و موضوع بحث در مسأله تبعیت قضاء از اداء، «عدم اتیان مأمور به در وقت» است و اینکه آیا اگر مکلف، مأمور به را در وقت اتیان نکرد، امر دلالت بر لزوم اتیان آن بعد از وقت دارد یا ندارد؟^۱

نقد بیان امام خمینی «قدس سرّه»

این تفاوت در صورتی فارق است که موضوع بحث در اجزاء، اصل اتیان مأمور به بوده و کلام در اقتضاء یا عدم اقتضاء اتیان مأمور به نسبت به اجزاء، محصور گردد و صرفاً یک بحث ثبوتی و عقلی باشد؛ ولی از مباحث گذشته که در تحریر محلّ نزاع بیان شد، روشن گردید که بحث ثبوتی در مبحث اجزاء، یک بحث مقدّماتی بوده و بحث اصلی، مربوط به دلالت امر و اثباتی می باشد. لذا باید فرق این سه مسأله، با حفظ لفظی بودن تمام این مسائل، مورد بررسی قرار گیرد.

بیان اقوال دیگر

از آنچه تا کنون در مقام نقد نظریات گذشته مطرح شد، ایراد کلام محقق خویی^۲ «رحمة الله علیه» مبنی بر فرق بین این مسائل، به عقلی و لفظی بودن و به اختلاف در جهت بحث، و همچنین ایراد کلام محقق بروجردی^۱ «رحمة الله علیه» مبنی بر فرق بین مسأله مرّه

۱- ایشان در مناهج الوصول الی علم الاصول، جلد ۱، صفحه ۳۰۱ می فرمایند: «الفرق بین هذه المسألة و مسألة المرأة و التكرار واضح، سواء كان البحث في الثانية في دلالة الأمر أو حكم العقل، فإنّ البحث هاهنا بعد الفراغ عن مدلول الأمر أو مقتضى العقل، و معه لا يمكن وحدتهما، فإذا فرغنا عن دلالة الأمر أو اقتضائه المرأة يقع البحث في أنّ الإتيان بها مجز أم لا؟ كما أنه لو دلّ على التكرار يقع البحث في أجزاء الإتيان بكلّ فرد.

و أمّا مسألة تبعية القضاء للأداء، فلا جهة اشتراك بينهما و بين هذه المسألة، فإنّ الكلام هاهنا في أنّ الإتيان بالمأمور به هل مجز عن الأداء و القضاء؟ و في تلك المسألة يكون البحث في أنّ المكلف إذا لم يأت بالمأمور به في الوقت فهل يدلّ الأمر على الإتيان به بعده؟ فالموضوع هاهنا الإتيان و هناك عدمه فأی تشابه بينهما؟! و العجب أنّ المحقق الخراسانيّ تصدّى لبيان الفارق بينهما، بأنّ البحث في أحدهما في دلالة الصيغة دون الآخر».

۲- محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۲۲۳ و ۲۲۴. البته ایشان تفاوت مسأله اجزاء با مسأله مرّه و تکرار را در کیفیت بحث یعنی عقلی و لفظی بودن و همچنین در جهت بحث می دانند و تفاوت مسأله اجزاء با مسأله تبعیت قضاء از اداء را به لحاظ اختلاف در موضوع و اختلاف در جهت می دانند.

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»... استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری «دام مره» و تکرار با مسأله اجزاء به لحاظ لفظی بودن اوّل و عقلی بودن دوّم و فرق بین مسأله اجزاء و مسأله تبعیّت قضاء از اداء به اختلاف در موضوع، روشن می گردد.

نظریه تحقیقی

به نظر می رسد تفاوت بین این مسائل، به تفاوت در جهت بحث می باشد، لکن به بیانی غیر از بیانی که دیگران مانند محقق اصفهانی «رحمة الله علیه» مطرح نموده بودند.

توضیح مطلب آن است که هر سه مسأله مذکور، مانند بسیاری از مسائل باب اوامر، مربوط به دلالت اوامر و تعیین مراد از متعلّق و مأمور به، با استفاده از اطلاق امر می باشد، اما زاویه بحث در جهت تعیین مراد از متعلّق و مأمور به در هر مسأله، متفاوت با مسأله دیگر می باشد؛ چون در هر موردی که امر به صورت مطلق به عملی تعلّق بگیرد، بلا شک طبیعت آن عمل را متعلّق و مأمور به قرار می دهد، ولی از آنجا که برای انجام مأمور به و متعلّق امر، به اعتبار مصادیق مختلف، کیفیت های گوناگونی تصوّر می شود و بسیاری از این کیفیت ها، متضادّ با یکدیگر بوده و هر یک از آنها می تواند مراد جدیّ امر باشد، لذا برای روشن شدن مراد جدیّ امر از آنچه در دلیل، متعلّق امر و مأمور به قرار گرفته، باید در مسائل مختلف بحث شود. برای مثال در صورت اطلاق، بحث می شود آیا مراد امر از مأمور به، «انجام به صورت فوری است یا خیر؟»؛ «انجام با قصد قربت است یا خیر؟» و «انجام مباشرتاً است یا خیر؟» و هكذا ...

با توجه به این مقدمه گفته می شود: شکی نیست که امر در سه مسأله مذکور نیز، به طبیعت عملی تعلّق گرفته و آن را مأمور به قرار داده است، ولی از آنجا که برای انجام مأمور به و متعلّق امر، به اعتبار این مسائل، مصادیق مختلفی فرض می شود، لذا باید برای تعیین مراد امر، نسبت به این مسائل بحث نماییم.

در مسأله مره و تکرار، بحث می شود که: آیا امری که تعلّق به فلان عمل گرفته و آن را مأمور به قرار داده است، با اطلاق و بدون وجود قرینه، دلالت می کند بر اینکه مراد مولای امر از این مأمور به، وجود یا ایجاد واحد است و یا وجودات متکثر یا ایجادات متعدّد است و یا آنکه بر هیچکدام دلالت نمی نماید؟

در مسأله تبعیّت قضاء از اداء، بحث می شود که: امری که به فلان عمل در فلان وقت، تعلّق گرفته و آن را مأمور به قرار داده است، همانطوری که دلالت بر مطلوبیّت عمل در وقت دارد، آیا در صورت انجام ندادن عمل در وقت، دلالت بر مطلوبیّت آن در خارج وقت نیز دارد یا خیر؟

۱- ایشان در لمحات الاصول، صفحه ۸۹ می فرمایند: «الفرق بین مسألة المرأة والتكرار و هذه المسألة، هو ما أفاده المحقق الخراسانيّ لكن الفرق بينها وبين مسألة تبعيّة الأداء للقضاء ليس كما أفاد، بل ما أفاده لا يخلو من غرابة من مثله؛ فإنّه ليس بين المسألتين مشابهة و مناسبة أصلاً، حتّى نحتاج إلى إبداء التفرقة؛ فإنّ المبحوث عنه في مسألة الإجزاء، هو أنّ الإتيان بالمأمور به على وجهه، هل يقتضي الإجزاء أم لا؟ و المبحوث في مسألة تبعيّة الأداء للقضاء، هو أنّ الأمر المتعلّق بالصلاة في الوقت، هل ينحلّ إلى الأمر بالصلاة و إلى الأمر بإيجادها في الوقت، حتّى إذا لم يؤت بالقيد يجب الإتيان بالمطلق أم لا؟ و بعبارة أخرى: هل يقتضي الأمر بالصلاة في الوقت، وجوب إتيانها خارج الوقت إذا لم يؤت بها فيه، أم لا؟ فالمفروض في هذه المسألة عدم الإتيان في الوقت، و المفروض في مسألة الإجزاء هو الإتيان على وجهه، فأيّ مشابهة بينهما حتّى نتصدّى لبيان التفرقة؟!».

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»....استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعسی سبزواری «دام مره»
و در مسأله اجزاء نیز بحث می شود که: آیا امری که مثلاً به صلاة با وضو تعلّق گرفته و آن را مأمورٌ به ساخته است یا به صلاة با تیمّم تعلّق گرفته و آن را مأمورٌ به قرار داده است، تمام آن چیزی است که داعی بر صدور امر از جانب مولی نسبت به این عمل شده بود یا تمام آن نیست؟ که اگر تمام آن باشد، انجام آن، مجزی از چیزی است که داعی بر صدور امر شده و امر ساقط می شود و اگر تمام آن نباشد، مجزی نبوده و در نتیجه امر ساقط نمی شود.

نتیجه نهایی: هر یک از این مباحث، لا محاله در مقام تعیین مراد مولی و آنچه داعی مولی بر صدور امر شده، می باشد، ولی هر کدام اختصاص به زاویه خاصی در جهت تعیین مراد مولی دارد و اکثر قریب به اتفاق^۱ این مسائل، مترتب بر مسأله دیگر و یا در طول مسأله دیگر قرار ندارند.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

۱- مگر در بعضی از موارد مثل مسأله صحیح و اعمّ که علی قول، مترتب بر بحث حقیقت شرعیه است و آن هم به خاطر خصوصیت مورد می باشد.